فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی ۲، پاییز ۹٤، صفحات ۱۰۳-۱۲۳

بررسی تأثیر شهرنشینی بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل‌شده به شهر در استان خراسان رضوی (نمونه‌ی موردی: شهرستان‌های خواف و رُشتخوار)

علی‌اصغر مهاجرانی[۱]، منصور حقیقتیان[۲]، مهدی یوسف‌نیا[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۲۶

چکیده

تحت‌تأثیر شهرنشینی، عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی گوناگونی سبک زندگی افراد را دچار تغییر و دگرگونی می‌کنند. این پژوهش با هدف شناسایی تأثیر شهرنشینی بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل‌شده به شهر در شهرستان‌های خواف و رُشتخوار در استان خراسان رضوی انجام شده است. مبانی نظری پژوهش حاضر بر اساس نظریّه‌های ابن خلدون، بوردیو، گیدنز و چِنی تدوین شده و روش انجام پژوهش پیمایشی است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد بیش‌تر تغییرات سبک زندگی در شهرهای نشتیفان و سلامی متأثّر از عوامل فرهنگی و در شهر جنگل ناشی از عوامل اقتصادی بوده است. بر اساس آزمون فرضیّه‌های تحقیق میان مشارکت اجتماعی، شبکه‌ی راه‌ها و وسایل ارتباطی، روحیّه‌ی فردگرایی، هویّت طبقاتی، امکانات فرهنگی و آموزشی، مصرف رسانه‌ای، سرمایه‌ی فرهنگی، مصرف‌گرایی، ایجاد بازار و مراکز خرید، تمایل به منافع سوداگرانه، کم‌رنگ شدن حمایت‌های مشترک، سطح رفاه اقتصادی افراد و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل‌شده به شهر، ارتباط معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: شهرنشینی، سبک زندگی، تبدیل روستا به شهر، هویّت طبقاتی، مشارکت اجتماعی.

[۱] دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان aliasghar.mohajerani@yahoo.com

[۲] دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان Mansour_haghighatian@yahoo.com

[۳] دانش‌آموخته‌ی دکتری تخصّصی جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه‌ی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان (نویسنده‌ی مسؤول) myousefnia2004@yahoo.com

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-04-23]

مقدّمه و طرح مسأله

اگرچه شهر و شهرنشینی از حدود هفت هزار سال قبل از میلاد وجود داشته، امّا معنای جدید و توسعه‌ی فزاینده‌ی آن متعلّق به دوران نوین است. گسترش شهرنشینی به‌ویژه در دوره‌ی معاصر موجب دل‌مشغولی بسیاری از نخبگان و صاحب‌نظران نسبت به مسائل و پیامدهای ناشی از توسعه‌ی آن شده و سبب گردیده است که مسأله‌ی شهر به یکی از مسائل مهم رشته‌ی جامعه‌شناسی تبدیل شود. امروزه شهرنشینی به شکل غالب و قطعیِ زندگی انسان‌ها بدل شده است. بیش از نیمی از جمعیّت ۷ میلیاردی جهان ساکن شهرها هستند که این میزان در برخی کشورها بسیار بیش‌تر است و گاه به ۷۰ تا ۸۰ درصد جمعیّت می‌رسد. پرسش اساسی برای پیشاهنگان جامعه‌شناسی شهری، این بود که بر سر سازوکارهای انسجام‌دهنده‌ای که نظم اجتماعی روستایی را پابرجا نگه داشته‌اند، چه خواهد آمد؟ به عبارت دیگر، سؤال پیرامون این مسأله‌ی مهم مطرح شده است که در دنیای شهری جدید، روستا چه خواهد شد و تأثیرات شهرنشینی بر هم‌بستگی سازمان اجتماعی اشکال حیات اجتماعی پیشین چگونه خواهد بود؟ سهم اساسی جامعه‌شناسی شهری در دو یا سه دهه‌ی اخیر به این سؤال اختصاص دارد که سکونت‌گاه‌های شهری چگونه سبک زندگی مردم (ارزش‌ها و نگرش‌ها و در نهایت رفتار آنان) را تغییر می‌دهند؟

شهرنشینی فرایندی پویاست که طی آن شاهد نوعی انتقال و حرکت هستیم. این فرایند انتقالی (تبدیل مناطق روستایی به مراکز شهری) در بردارنده‌ی نوعی تغییر در سبک زندگی، نظام ارزشی و هنجاری است. بنابراین شهرنشینی در درجه‌ی اوّل با دو نوع تغییر همراه است؛ نخست، تغییر جمعیّتی که تغییری عینی، ملموس و قابل سنجش با میزان‌های کمّی است. این نوع تغییر، صبغه‌ای جمعیّت‌شناختی دارد و بیش‌تر مورد مطالعه‌ی جمعیّت‌شناسان است. نوع دوم، تغییر در سبک زندگی و نظام ارزشی و هنجاری است که اوّلاً از عینیّت کم‌تری برخودار است و ثانیاً بیان آن با میزان‌های کمّی میسّر نیست؛ زیرا این نوع تغییر، رنگ و بوی جامعه‌شناسی دارد و نیازمند تحلیل جامعه‌شناختی است.

پس از تبدیل یک روستا به مرکز شهری، آن منطقه با پدیده‌ی شهرنشینی که عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خاصّ خود را در پی دارد، مواجه می‌شود. مجموع این عوامل، بر سبک زندگی ساکنان این نواحی اثر می‌گذارد و در نهایت سبک جدیدی از زندگی (شامل شیوه‌ی گذران اوقات فراغت، لباس و پوشاک، تغذیه، مدیریّت بدن، سبک معماری و چیدمان داخلی منازل) را پدید می‌آورد. در واقع، میان فضای زیستی (شهر) و سبک زندگی انسان‌ها با خواسته‌ها و تمایلات

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-04-23]

اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آنان رابطه وجود دارد و شهر نماد برجسته‌ی این رابطه است. بررسی سبک زندگی اعضای یک جامعه یا اعضای گروه‌های خاصّی از جامعه، از نظر اندیشمندان علوم اجتماعی همواره دارای اهمّیّت ویژه‌ای بوده است. شناخت و تحلیل تأثیرات پدیده‌ی شهرنشینی بر سبک زندگی شهروندان از آن جهت مهم است که به برنامه‌ریزان شهری (به‌ویژه در مناطق شهری جدید) در پی بردن به عمده‌ترین علل رفتارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی افراد و نیز در حلّ معضلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آینده‌ی این مراکز کمک می‌کند. هم‌چنین با توجّه به این که در زمینه‌ی عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادیِ مؤثّر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل‌شده به شهر در منطقه‌ی مورد مطالعه، تحقیقی انجام نشده است، پژوهش حاضر کاری نوین به‌شمار می‌آید.

پیشینه‌ی پژوهش

پاره‌ای مطالعات جهانی درباره‌ی چنین شهرهایی انجام شده است؛ به‌عنوان نمونه، دمپسی در تحقیقی که در سال ۱۹۹۰ میلادی در شهر اسمال تاون استرالیا انجام داده، به این نتیجه رسیده است که مردم این شهر احساس تعلّق و وابستگی شدیدی به محلّ زندگی خود دارند و از انسجام اجتماعی زیادی برخوردار هستند. بالا بودن سطح مشارکت اجتماعی در این منطقه‌ی شهری به‌وضوح مشاهده شده است. نتایج تحقیق ویلسون در سال ۱۹۹۳ میلادی نشان داده که هرچند شهری شدن موجب کاهش ملاقات‌های چهره به چهره با اقوام می‌شود، ولی این تأثیرات اندک است. یافته‌های تحقیق وی در سال ۲۰۰۶ میلادی نشان می‌دهد که پاسخ‌گویان، به شناسایی تلفن همراه به‌عنوان ملاک غربی شدن و سبک زندگی اجتماعی فعّال، تمایل دارند. چادنوپادیای به فقدان زیرساخت و خدمات اساسی در این‌گونه شهرها در هند و نقش آن در عدم دست‌یابی به توسعه‌ی پایدار اشاره دارد (اوماجا، ۱۹۸۷: ۸۸۲). برخی معتقدند اقدام مذکور، منابعی را که می‌تواند برای ساکنان روستاها مفید باشد، با هدف سرمایه‌گذاری به مراکز کلان‌شهرها منتقل می‌کند (راندینلی، ۱۹۸۳: ۳۹۱).

در ایران نیز طی سال‌های اخیر تحقیقات فراوانی در زمینه‌ی تبدیل روستا به شهر و سبک زندگی، در قالب رساله‌های دکتری و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد دانشگاه‌های مختلف کشور و نیز در قالب مقالات و طرح‌های تحقیقاتی متنوّع انجام شده است. نتایج تحقیق ایزدی خرامه (۱۳۸۰) نشان داده است که تبدیل روستا به شهر در کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-04-23]

بزرگ‌تر و تثبیت جمعیّت در نواحی روستایی، افزایش فرصت‌های شغلی به‌ویژه در بخش خدمات اداری و تجاری و نیز در بهبود کارکردهای خدماتی شهرهای ایجاد شده و حوزه‌ی نفوذ آن‌ها مؤثّر است. پورافکاری، کلانتری و نقدی (۱۳۸۱) در تحقیقی نشان داده‌اند که شهرنشینی دارای آثار و پیامدهای مثبت و منفی در جامعه‌ی ایران بوده است. هم‌چنین نتایج به‌دست آمده، از وجود رابطه‌ی مثبت میان شهرنشینی و متغیّرهایی همچون بالا رفتن سطح توسعه‌ی فرهنگی، افزایش میزان مشارکت اجتماعی افراد، افزایش امکانات منطقه، بالا رفتن سطح سواد، افزایش میزان طلاق و افزایش امید به زندگی، حکایت دارد. شایان، مردی و طاهرخانی (۱۳۸۳) در تحقیقی به این نتیجه رسیده‌اند که متغیّرهای تنوّع شغلی، سطح درآمد، انسجام اجتماعی، تعداد مراکز خدمات فرهنگی، میزان خدمات اجتماعی و فرهنگی و الگوها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در روستاهای مورد مطالعه، به میزان قابل توجّهی از تغییرات گسترده‌ی فرهنگی و اجتماعی در شهرها تأثیر پذیرفته‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش ضیاءتوانا و امیرانتخابی (۱۳۸۶)، تبدیل روستاهای شهرستان تالش به شهر نه تنها تحوّلات اجتماعی، اقتصادی و فضایی مهمّی را در خود این مراکز ایجاد می‌کند، حوزه‌ی نفوذ آن‌ها را نیز به‌شدّت تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. ابراهیم‌زاده و نصیری (۱۳۸۶) در تحقیقی به این نتیجه دست یافته‌اند که شهرهای کنونی نه شهرهای قدیم با همان ویژگی‌های زمانی و سرزمینی ویژه هستند و نه شهرهای تازه و هم‌خوان با اصول و مبانی و ضوابط شهرسازی امروز. سیف‌اللهی، شهابی و صالحی (۱۳۸۷) در پژوهشی نشان داده‌اند که تبدیل روستای اژیه به شهر در تغییر کاربری اراضی و کاهش اراضی کشاورزی چندان مؤثّر نبوده و فقط با افزایش انگیزه‌ی ماندن در محل و جذب جمعیّت جوان به بخش کشاورزی، تا حدودی از میانگین سنّ نیروی انسانی شاغل در بخش کشاورزی شهر اژیه و روستاهای مجاور آن کاسته است.

پورهمرنگ (۱۳۸۷) در تحقیق خود به وجود رابطه میان محیط اجتماعی و شهری مدرن و رشد و گسترش نفس و فردگرایی اشاره کرده است. بر این اساس، فضاهای شهری مدرن به رشد مصرف‌گرایی غیرضروری و تعامل اجتماعی بعضاً متضاد با هنجارهای رسمی جامعه در منطقه‌ی مورد مطالعه‌ی او، انجامیده است. بر پایه‌ی نتایج پژوهش نوابخش و فتحی (۱۳۸۹) رشد شهرنشینی در کشور ما دارای چند ویژگی عمده همچون رشد شتابان، برخورداری از توزیع بسیار نامتوازن و تمرکزگرایانه، برون‌زایی و ارتباط مستقیم با فروپاشی اقتصاد کشاورزی و روستایی در چند دهه‌ی اخیر بوده است. نتایج تحقیق حقیقتیان، انصاری و ولی‌پور (۱۳۹۰) نشان داده است متغیّرهای طبقه‌ی اجتماعی، معاشرت با دوستان، استفاده از اینترنت و استفاده از ماهواره بر متغیّر

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-04-23]

سبک زندگی تأثیر داشته‌اند. چولی محمودآبادی (۱۳۹۰) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده که میزان استفاده از رسانه‌ها، نگرش دینی، سرمایه‌ی فرهنگی محیط و پایگاه اقتصادی- اجتماعی (بعد ذهنی و عینی) بر سبک زندگی افراد مؤثّر بوده است. نتایج تحقیق قاسمی پاکرو (۱۳۹۱) بیانگر آن است که سن، مقطع تحصیلی افراد، وضع فعّالیّت، قومیّت، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و میزان بهره‌مندی از هر یک از انواع سرمایه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از مهم‌ترین محدوده‌های ساختاری‌ای هستند که می‌توانند انتخاب‌های عاملان را با محدودیّت مواجه سازند. حقیقتیان (۱۳۹۱) در تحقیقی به این نتیجه رسیده است که شهرنشینی بر اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی افراد تأثیر منفی معناداری داشته امّا بر گسترش معیارهای عام‌گرایانه، احساس بی‌کنترلی و داشتن روابط و اتّکا به خانواده و اقوام تأثیر چندانی نداشته است. یافته‌های پژوهش ذوالفقاری (۱۳۹۱) نشان داده که میان دو متغیّر نحوه‌ی مصرف‌گرایی افراد و میزان درآمد ماهیانه‌ی آن‌ها در سطح بالایی هم‌بستگی وجود دارد. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش صادقی قمشلو (۱۳۹۲)، فرایند تبدیل روستا به شهر در مناطق مورد مطالعه (شهرهای جنوبی استان اصفهان) دارای پیامدهای مثبتی همچون رضایت‌مندی از تبدیل روستا به شهر و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و در عین حال، برخی پیامدهای منفی نظیر کاهش انسجام اجتماعی مردم، تغییر کاربری اراضی و تخریب آن‌ها بوده است.

ارزیابی تحقیقات انجام‌شده در این حوزه (تبدیل روستا به شهر و تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن) نشان می‌دهد که بیش‌تر تحقیقات صورت‌گرفته به بررسی تأثیرات محیطی و کالبدی و تحقیقات اندکی نیز به مطالعه‌ی اثرات اقتصادی و اجتماعی این فرایند در مناطق مورد مطالعه پرداخته‌اند. تحقیقات انجام‌شده درباره‌ی سبک زندگی نیز تأثیر برخی عوامل اجتماعی یا فرهنگی را بر سبک زندگی مورد توجّه قرار داده و یا صرفاً تأثیر آگهی‌های تجاری را مدّ نظر داشته‌اند. در این تحقیقات، سبک زندگی مصرفی بیش‌تر مورد تأکید بوده است. در پژوهش حاضر، سبک زندگی در بستر شهرنشینی ارزیابی شده و تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل‌شده به شهر مورد بررسی قرار گرفته است؛ امری که در تحقیقات پیشین توجّه چندانی به آن نشده است. بنابراین نتایج این پژوهش می‌تواند مورد استفاده‌ی دیگر پژوهشگران این حوزه قرار گیرد.

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-04-23]

چارچوب مفهومی پژوهش

اندیشمندان گوناگونی چون ابن خلدون، تونیس، زیمل، وبر، دورکیم، بوردیو، گیدنز، ورث و چِنی به بررسی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی ناشی از شهرنشینی بر سبک زندگی افراد پرداخته و هریک ویژگی‌هایی برای سبک زندگی شهری در مقابل سبک زندگی روستایی برشمرده‌اند. از نظر ابن خلدون نوع زندگی، ثروتمندی و تجمّل‌خواهی، رفاه، امنیّت، تشکیلات جدید، محیط تازه و همه‌ی پدیده‌های شهرنشینی مرتبط، از یک انسان بدوی (روستایی) موجودی می‌سازد که خصوصیّات وی به‌کلّی با گذشته متفاوت است؛ از جمله این که خون‌پرستی در او تضعیف می‌گردد؛ به علّت کار در بازار و کارمند دولت بودن، رابطه‌ی او با قبیله‌اش فراموش می‌شود؛ دل‌بستگی‌ها و تعلّقات گذشته‌اش ضعیف می‌گردد؛ به علّت آمیزش با پول، ارزش‌های مادّی جای اندیشه‌های معنوی را می‌گیرد؛ به سبب خو گرفتن به تجمّلات، شهوت‌پرست می‌شود و با اخلاق و دین بیگانه می‌گردد. بر این اساس، انسان شهرنشین از خود بیگانه و ماهیّتش دگرگون می‌شود. وی معتقد است شهرنشینان به‌تدریج شعائر و تعالیم مذهبی را فراموش می‌کنند و دستورهای آن را زیر پا می‌گذارند (علیمردانی، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

در اندیشه‌ی ماکس وبر، جامعه‌شناس مشهور آلمانی، شهر از دوران قرون وسطی به بعد مرکز توسعه‌ی فردگرایی است. در معاملات بازرگانی و اقتصادی افراد با حقوقی یکسان و مساوی با یکدیگر قرارداد می‌بندند و در قبال همدیگر از حقوق و تعهّدات یکسانی برخوردارند. فردگرایی که از بسیاری جهات، با تخصّصی شدن محیط شهری گسترش می‌یابد، در واقع خصلت ویژه‌ی شهر است. در زندگی اجتماعی شهری، وقت‌شناسی، حسابگری و دقیق بودن لازمه‌ی زندگی پیچیده است و در ارتباط بسیار تنگاتنگ با اقتصاد پولی و هوش‌گرایی قرار دارد. شهر چیزی بیش از مجموعه‌ای از افراد انسانی و امکانات اجتماعی (خیابان‌ها، ساختمان‌ها، چراغ‌های برق، قطارهای زیرزمینی، تلفن‌ها و ...) و چیزی بیش از کهکشانی از نهادها و بخش‌های اداری، دادگاه‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس و ... است. شهر بیش‌تر قلمروی ذهنی و هیأتی از سنّت‌ها، آداب و رسوم و گرایش‌های سازمان‌یافته و عواطف است (وبر، ۱۳۷۴: ۵۰).

زیمل شهرها را محیط‌هایی می‌داند که محرّک‌های بسیار متنوّعی برای انسان ایجاد می‌کنند که هیچ فردی به‌تنهایی نمی‌تواند پاسخ‌گوی همه‌ی آن‌ها باشد. بنابراین به دلیل تنوّع محرّک‌های محیط شهری، فرد شهرنشین به آگاهی و تیزهوشی بیش‌تری نیاز دارد و سادگی روستایی در این مسابقه عقب می‌ماند. انسان شهری با مغز خود به محرّک‌های بی‌شمار زندگی شهرنشینی پاسخ می‌دهد نه

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-04-23]

با قلب خویش. تفاوت دیگر این است که شهر ماهیّتاً جایگاه اقتصادی پولی است و همین ویژگی موجب می‌شود انسان شهرنشین دیدگاه خاص و مستقلّی درباره‌ی اطرافیان خود پیدا کند. از نظر او گستره‌ی وسیع کارکرد شهرها بر محور تقسیم کار استوار است و بر همین اساس در جامعه‌ی شهری «چه بودن» مهمّ است نه «که بودن». البتّه حاصل چنین وضعیّتی آن است که فرصت‌های شهرنشینان برای ایجاد تماس‌های نزدیک و عاطفی با دیگران بسیار کم می‌گردد و خودمحوری هدف و موضوع زندگی افراد می‌شود. انسان شهری باید خصوصیّات فردی خود را چنان بزرگ جلوه دهد که حداقل در میان انبوه عظیم شهرنشینان نمایشی داشته باشد (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹؛ ۲۰۳-۲۰۴). نوشته‌ی زیمل تحت‌عنوان «کلان‌شهرها و حیات ذهنی»، نمونه‌ی برجسته‌ای در تبیین عوامل اثرگذار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر زندگی افراد در شهرهای جدید است. اندیشه‌ی زیمل از آن جهت که او تمایز میان دو ویژگی عمده‌ی زندگی شهری سازنده‌ی رفتار انسانی را مورد توجّه قرار می‌دهد، از اهمّیّت فراوانی برخودار است.

در نظریّه‌ی نوسازی نیز شهر، مرکزی برای رشد، تحرّک و یکپارچگی جمعیّت است و شهرها و مناطق حومه‌ی آن‌ها سبک و شیوه‌ی جدیدی از زندگی را به ارمغان آورده، تغییر و تحوّلاتی در سبک زندگی و رفتاری مردم به‌وجود می‌آورند. به دلیل مطرح بودنِ بحث تغییر عقاید و علایق و در نظر گرفتن علایق و عقاید دیگران، شهر به‌منزله‌ی عامل توسعه‌ی اجتماعی که به ساکنان خود بینش‌های فرهنگی جدیدی ارائه می‌دهد، مطرح می‌شود. دانیل لرنر که از پیشکسوتان نظریّه‌ی نوسازی است، رشد مراکز شهری جدید در کشورهای جهان سوم را عامل ترّقی و تقویت‌کننده‌ی احساس فردگرایی و تضعیف‌کننده‌ی سنّت‌گرایی می‌داند. به باور او شهرنشینی موجب افزایش سطح مشارکت اجتماعی در جوامع می‌شود و موجبات اخذ نگرش‌های جدید، روشن‌بینی و سؤال کردن را فراهم می‌کند و در نهایت، موجب ارتقای تحرّک روانی می‌گردد. مهم‌تر این که نیازهای زندگی شهری به‌ویژه نیازهای حرفه‌ای، مردم شهری را به برخورداری از ویژگی‌های خاصّ نوگرایی مانند باسوادی تشویق می‌کند؛ زیرا مردم باید باسواد باشند تا از علایم و سمبل‌ها که خاصّ جامعه‌ی شهری هستند، آگاه شوند و بتوانند با آن‌ها ارتباط برقرار کنند و زندگی اجتماعی خود را تنظیم نمایند. هنگامی که رشد فردگرایی و اهمّیّت دادن به خواسته‌ها و نیازهای شخصی در تعاملات میان افراد جامعه‌ی شهری از اهمّیّت بسیار بالایی برخوردار باشد و فشارها، مشکلات، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی و فقدان رعایت نظم هنجاری و ارزشی در تعاملات اجتماعی، به کاهش حسّ اطمینان و اعتماد میان شهروندان منجر شود، سرمایه‌ی اجتماعی تنزّل می‌یابد و در

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-04-23]

نتیجه انواع آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی بروز پیدا می‌کند؛ به عبارتی، با کاهش اعتماد میان افراد، ارتباطات دروغ‌آمیز و رفتارهای تقلّب‌گونه‌ی شهروندان نسبت به عملکرد یکدیگر بروز می‌یابد. در واقع، افول سرمایه‌ی اجتماعی منجر به اختلالات رابطه‌ای به‌ویژه در جامعه‌ی شهری شده است. این اختلالات عبارت است از: پایین بودن «۱- چگالی روابط اجتماعی ۲- قرینگی روابط اجتماعی ۳- تعدّد روابط اجتماعی ۴- شدّت روابط اجتماعی ۵- تنوّع هویّت‌ها در روابط اجتماعی. در شرایط اختلال رابطه‌ای، احترام متقابل اجتماعی و انعطاف اجتماعی کاهش می‌یابد. این اختلال، استحکام اجتماع را خدشه‌دار می‌کند و آسیب‌پذیری فرد را افزایش می‌دهد؛ زیرا اختلال رابطه‌ای می‌تواند به انزوای اجتماعی، یأس، احساس عجز و انفعال‌گرایی منجر شود» (چلبی، ۱۳۸۶: ۱۴۷).

برای استفاده از نظریّه‌های ارائه‌شده، اثرات مورد نظر هریک از نظریّه‌پردازان در قالب دو متغیّر فرهنگی و اجتماعی دسته‌بندی و در جدول شماره‌ی یک ارائه شده است. هم‌چنین بر مبنای شاخص‌های احصا شده از نظریّه‌های مختلف، برای سنجش متغیّرهای مستقل و متغیّر وابسته می‌توان مدل مفهومی شکل شماره‌ی یک را برای تحقیق حاضر ترسیم کرد.

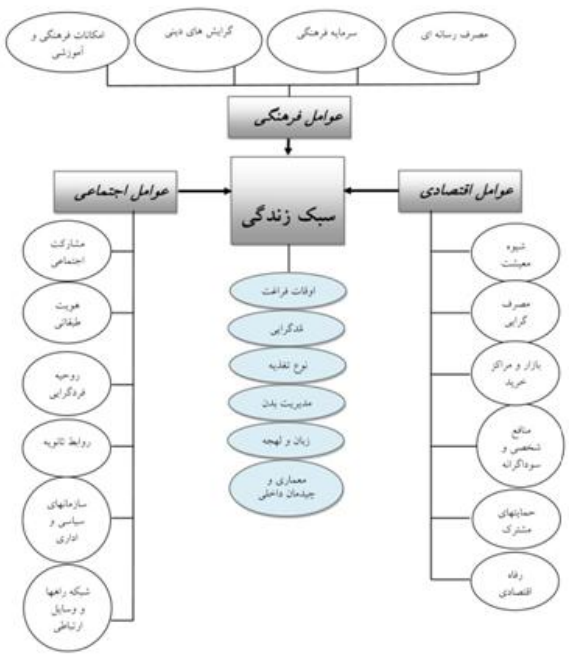

شکل شماره‌ی یک- مدل مفهومی تحقیق

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-04-23]

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی- هم‌بستگی است. در این پژوهش از روش‌های اسنادی و پیمایشی و نیز از پرسش‌نامه‌ی محقّق‌ساخته برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق نیز شامل مراکزی است که در فاصله‌ی زمانی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۳ هجری شمسی در شهرستان‌های خواف و رُشتخوار واقع در استان خراسان رضوی از مناطق روستایی به شهر تبدیل شده‌اند. علّت در نظر گرفتن این بازه‌ی زمانی به‌عنوان جامعه‌ی آماری، این بوده که حداقل ۱۰ سال از زمان تبدیل این روستاها به شهر گذشته باشد تا عوارض و اثرات این مسأله بر سبک زندگی ساکنان به‌خوبی مشخّص شده و خود را نشان داده باشند. بر اساس اطّلاعات موجود در بازه‌ی زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۳ هجری شمسی، در شهرستان‌های مورد مطالعه سه مرکز روستایی به اسامی نشتیفان و سلامی (در شهرستان خواف) و جنگل (در شهرستان رُشتخوار) به مناطق شهری تبدیل شده‌اند که در این تحقیق، سه شهر جدید مذکور مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. بر پایه‌ی اطّلاعات منتشرشده از سوی مرکز آمار ایران، در سرشماری سال ۱۳۹۰ سه شهر جامعه‌ی آماری این تحقیق در مجموع، ۲۰۶۸۷ نفر جمعیّت داشته‌اند. با نگرش به جامعه‌ی آماری، حجم نمونه‌ی این تحقیق بر اساس نتایج فرمول نمونه‌گیری کوکران برابر با ۳۳۷ نفر به‌دست آمده و سپس به شیوه‌ی سهمیه‌ای، میان شهرهای جامعه‌ی آماری تقسیم شده است.

یافته‌های پژوهش

از مجموع افراد مورد مطالعه ۶۵/۶ درصد مرد و ۳۴/۴ درصد نیز زن بوده‌اند. هم‌چنین ۴۳/۳ درصد در محدوده‌ی سنّی ۱۹ تا ۲۹ سال، ۲۷/۷ درصد در محدوده‌ی سنّی ۳۰ تا ۳۹ سال، ۱۷/۳ درصد در محدوده‌ی سنّی ۴۰ تا ۴۹ سال، ۹/۲ درصد در محدوده‌ی سنّی ۵۰ تا ۵۹ سال و ۲/۵ درصد نیز در محدوده‌ی سنّی ۶۰ سال به بالا قرار داشته‌اند. ۷۴/۶ درصد متأهّل و ۲۵/۴ درصد هم مجرّد بوده‌اند. به لحاظ شغلی نیز ۲۸ درصد دارای شغل آزاد، ۱۹/۶ درصد خانه‌دار، ۱۹/۳ درصد کشاورز و ۱۶/۵ درصد دانشجو بوده‌اند. هم‌چنین به لحاظ تحصیلات، ۲۹/۶ درصد تحصیلات ابتدایی، ۲۰/۴ درصد دیپلم، ۱۹/۹ درصد سیکل و ۱۷/۷ درصد مدرک کارشناسی داشته‌اند.

آزمون هم‌بستگی پیرسون میان فرضیّه‌های تحقیق (جدول ۳) نشان می‌دهد وجود رابطه‌ی معنادار بین بیش‌تر فرضیّه‌های فرعی مورد بررسی -به جز دو فرضیّه‌ی گرایش‌های دینی و تغییر

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-04-23]

شیوه‌ی معیشت- و متغیّر وابسته (سبک زندگی) با سطح معناداری ۰/۰۰۰ تأیید شده است. بنابراین می‌توان گفت میان مشارکت اجتماعی، سازمان‌های سیاسی و اداری، شبکه‌ی راه‌ها و وسایل ارتباطی، روحیّه‌ی فردگرایی، هویّت طبقاتی، روابط غیرمستقیم و ثانویّه، امکانات فرهنگی و آموزشی، مصرف رسانه‌ای، سرمایه‌ی فرهنگی، مصرف‌گرایی، ایجاد بازار و مراکز خرید، تمایل به منافع سوداگرانه، کم‌رنگ شدن حمایت‌های مشترک، سطح رفاه اقتصادی افراد و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل‌شده به شهر، ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول شماره‌ی یک- مقایسه‌ی آزمون هم‌بستگی پیرسون فرضیّه‌های تحقیق

عوامل	فرضیّه های فرعی	سبک زندگی		
		مقدار	سطح معناداری	تعداد
عوامل اجتماعی	مشارکت اجتماعی	۰/۲۲۶	۰/۰۰۰	۳۳۷
	سازمان‌های سیاسی و اداری	۰/۲۳۴	۰/۰۰۰	۳۳۷
	شبکه‌ی راه‌ها و وسایل ارتباطی	۰/۲۹۷	۰/۰۰۰	۳۳۷
	روحیّه‌ی فردگرایی	۰/۳۶۷	۰/۰۰۰	۳۳۷
	هویّت طبقاتی	۰/۱۹۰	۰/۰۰۰	۳۳۷
	روابط غیرمستقیم و ثانویّه	۰/۳۰۴	۰/۰۰۰	۳۳۷
عوامل فرهنگی	امکانات فرهنگی و آموزشی	۰/۳۲۶	۰/۰۰۰	۳۳۷
	مصرف رسانه‌ای	۰/۴۶۳	۰/۰۰۰	۳۳۷
	گرایش‌های دینی	۰/۰۸۱	۰/۱۳۹	۳۳۷
	سرمایه‌ی فرهنگی	۰/۲۷۹	۰/۰۰۰	۳۳۷
عوامل اقتصادی	تغییر شیوه‌ی معیشت	۰/۱۰۰	۰/۰۶۷	۳۳۷
	مصرف‌گرایی	۰/۴۵۴	۰/۰۰۰	۳۳۷
	ایجاد بازار و مراکز خرید	۰/۲۱۴	۰/۰۰۰	۳۳۷
	تمایل به منافع سوداگرانه	۰/۱۹۳	۰/۰۰۰	۳۳۷
	کم‌رنگ شدن حمایت های مشترک	۰/۲۱۷	۰/۰۰۰	۳۳۷
	سطح رفاه اقتصادی افراد	۰/۳۵۵	۰/۰۰۰	۳۳۷

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-04-23]

برای مقایسه‌ی میانگین متغیّرهای مستقل و وابسته بین شهرهای مورد مطالعه از آزمون F استفاده شده است. فرض صفر در این آزمون، معنادار بودن تفاوت میانگین متغیّرها در شهرهای مورد مطالعه و فرض ادّعا نیز معنادار نبودن تفاوت میانگین متغیّرها در جامعه‌ی مورد بررسی است.

جدول شماره‌ی دو- آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیّر سبک زندگی در شهرهای مورد مطالعه

		مجموع مربعات	درجه‌ی آزادی	میانگین مربع	مقدار F	سطح معناداری
سبک زندگی	بین گروهی	۳۱۸/۰۷۷	۲	۱۵۹/۰۳۹	۰/۷۶۶	۰/۴۶۶
	درون‌گروهی	۶۹۳۸۴/۹۲۱	۳۳۴	۲۰۷/۷۳۹		
	مجموع	۶۹۷۰۲/۹۹۸	۳۳۶			

جدول شماره‌ی دو، نتیجه‌ی آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیّر سبک زندگی در شهرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. بر اساس جدول، سطح معناداری به‌دست آمده برابر با ۰/۴۶۶ بوده که از ۰/۰۵ بیش‌تر است. در نتیجه، دلیلی بر ردّ فرض صفر وجود ندارد و بنابراین فرض ادّعا تأیید نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، تفاوت معناداری بین میانگین متغیّر سبک زندگی در شهرهای مورد مطالعه وجود ندارد.

جدول شماره‌ی سه- میانگین متغیّر سبک زندگی در شهرهای مورد مطالعه

	شهر محلّ سکونت	تعداد	تعداد گروه‌های همگن
			۱
آزمون توکی (Tukey)	سلامی	۱۰۸	۴۳/۲
	جنگل	۱۰۷	۴۴/۳
	نشتیفان	۱۲۲	۴۵/۶
	سطح معناداری		۰/۴۴۱

با توجّه به جدول شماره‌ی سه، می‌توان گفت میانگین سبک زندگی هر سه شهر مورد مطالعه، همگن است و در یک دسته قرار می‌گیرند. بنابراین، تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-04-23]

جدول شماره‌ی چهار- آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیّر عوامل اجتماعی در شهرهای مورد مطالعه

		مجموع مربعات	درجه‌ی آزادی	میانگین مربع	مقدار F	سطح معناداری
سبک زندگی	بین گروهی	۶۲۰/۱۵۳	۲	۳۱۰/۰۷۷	۲/۰۰۷	۰/۱۳۶
	درون‌گروهی	۵۱۵۹۳/۸۰۹	۳۳۴	۱۵۴/۴۷۲		
	مجموع	۵۲۲۱۳/۹۶۲	۳۳۶			

جدول شماره‌ی چهار، نتیجه‌ی آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیّر عوامل اجتماعی در شهرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. بر اساس جدول، سطح معناداری به‌دست آمده برابر با ۰/۱۳۶ بوده که از ۰/۰۵ بیش‌تر است. در نتیجه، دلیلی بر ردّ فرض صفر وجود ندارد و بنابراین فرض ادّعا تأیید نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، تفاوت معناداری بین میانگین متغیّر عوامل اجتماعی در شهرهای مورد مطالعه وجود ندارد.

جدول شماره‌ی پنج- میانگین متغیّر عوامل اجتماعی در شهرهای مورد مطالعه

	شهر محلّ سکونت	تعداد	تعداد گروه‌های همگن
			۱
آزمون توکی (Tukey)	سلامی	۱۰۸	۴۸/۲
	جنگل	۱۰۷	۵۱
	نشتیفان	۱۲۲	۵۱/۱
	سطح معناداری		۰/۱۸۰

با توجّه به جدول شماره‌ی پنج، می‌توان گفت میانگین عوامل اجتماعی هر سه شهر مورد مطالعه، همگن است و در یک دسته قرار می‌گیرند. بنابراین، تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

جدول شماره‌ی شش- آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیّر عوامل فرهنگی در شهرهای مورد مطالعه

		مجموع مربعات	درجه‌ی آزادی	میانگین مربع	مقدار F	سطح معناداری
سبک زندگی	بین گروهی	۲۰۷۲/۶۴۳	۲	۱۰۳۶/۳۲۱	۴/۹۵۵	۰/۰۰۸
	درون‌گروهی	۶۹۸۵۳/۹۶۴	۳۳۴	۲۰۹/۱۴۴		
	مجموع	۷۱۹۲۶/۶۰۷	۳۳۶			

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-04-23]

جدول شماره‌ی شش، نتیجه‌ی آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیّر عوامل فرهنگی در شهرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. بر اساس جدول، سطح معناداری به‌دست آمده برابر با ۰/۰۰۸ بوده که از ۰/۰۵ کم‌تر است. در نتیجه، دلیلی بر ردّ فرض ادّعا وجود ندارد و بنابراین فرض نقیض ادّعا تأیید نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، تفاوت معناداری بین میانگین متغیّر عوامل فرهنگی در شهرهای مورد مطالعه وجود دارد.

جدول شماره‌ی هفت- پس‌آزمون وجود تفاوت معنادار متغیّر عوامل فرهنگی میان شهرهای مورد مطالعه

	شهر محلّ سکونت	شهر مورد مقایسه	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معناداری	فاصله‌ی معناداری	
						حدّ پایین	حدّ بالا
آزمون توکی (Tukey)	نشتیفان	سلامی	۶/۰۱	۱/۹۱	۰/۰۰۵	۱/۵۲	۱۰/۵۲
		جنگل	۲/۸۱	۱/۹۲	۰/۳۰۸	-۱/۷۰	۷/۳۲
	سلامی	نشتیفان	-۶/۰۱	۱/۹۱	۰/۰۰۵	-۱۰/۵۱	-۱/۵۲
		جنگل	-۳/۲۰	۱/۹۷	۰/۲۳۷	-۷/۸۴	۱/۴۴
	جنگل	نشتیفان	-۲/۸۱	۱/۹۲	۰/۳۰۸	-۷/۳۲	۱/۷۰
		سلامی	۳/۲۰	۱/۹۸	۰/۲۳۷	-۱/۴۴	۷/۸۵

همان‌گونه که در جدول شماره‌ی هفت پس‌آزمون مشاهده می‌شود، بر اساس آزمون توکی، تفاوت معناداری بین میانگین عوامل فرهنگی در شهرهای نشتیفان و سلامی وجود دارد، امّا بین میانگین این عوامل در شهرهای نشتیفان و جنگل و نیز سلامی و جنگل تفاوتی دیده نمی‌شود.

جدول شماره‌ی هشت- میانگین متغیّر عوامل فرهنگی در شهرهای مورد مطالعه

	شهر محلّ سکونت	تعداد	تعداد گروه‌های همگن	
			۱	
آزمون توکی (Tukey)	سلامی	۱۰۸	۵۲/۸۰	۲
	جنگل	۱۰۷	۵۶	
	نشتیفان	۱۲۲		۵۶
	سطح معناداری		۰/۲۲۳	۰/۳۱۵

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-04-23]

با توجّه به جدول شماره‌ی هشت، می‌توان گفت میانگین عوامل فرهنگی در شهرهای سلامی و جنگل همگن است و در یک دسته قرار می‌گیرند. میانگین این عوامل در شهرهای جنگل و نشتیفان نیز در یک دسته‌ی دیگر جای می‌گیرند؛ به عبارت دیگر، میانگین عوامل فرهنگی بین شهرهای سلامی و جنگل و نیز جنگل و نشتیفان تفاوت معناداری ندارد، امّا بین شهرهای سلامی و نشتیفان تفاوت معناداری مشاهده می‌شود.

جدول شماره‌ی نه- آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیّر عوامل اقتصادی در شهرهای مورد مطالعه

		مجموع مربعات	درجه‌ی آزادی	میانگین مربع	مقدار F	سطح معناداری
عوامل اقتصادی	بین گروهی	۲۳۰۸/۸۴۵	۲	۱۱۵۴/۴۲۲	۸/۲۹۹	۰/۰۰۰
	درون‌گروهی	۴۶۴۵۸/۷۳۴	۳۳۴	۱۳۹/۰۹۸		
	مجموع	۴۸۷۶۷/۵۷۹	۳۳۶			

جدول شماره‌ی نه، نتیجه‌ی آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیّر عوامل اقتصادی در شهرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. بر اساس جدول، سطح معناداری به‌دست آمده برابر با ۰/۰۰۰ بوده که از ۰/۰۵ کم‌تر است. در نتیجه، دلیلی بر ردّ فرض ادّعا وجود ندارد و بنابراین فرض نقیض ادّعا تأیید نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، تفاوت معناداری بین میانگین متغیّر عوامل اقتصادی در شهرهای مورد مطالعه وجود دارد.

جدول شماره‌ی ده- پس‌آزمون وجود تفاوت معنادار متغیّر عوامل اقتصادی میان شهرهای مورد مطالعه

	شهر محلّ سکونت	شهر مورد مقایسه	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معناداری	فاصله‌ی معناداری	
						حدّ پایین	حدّ بالا
آزمون توکی (Tukey)	نشتیفان	سلامی	۴/۲۰	۱/۵۶	۰/۰۲۰	۰/۵۳	۷/۸۷
		جنگل	-۲/۲۵	۱/۵۶	۰/۳۲۳	-۵/۹۲	۱/۴۳
	سلامی	نشتیفان	-۴/۲۰	۱/۵۶	۰/۰۲۰	-۷/۸۷	-۰/۵۳
		جنگل	-۶/۴۴	۱/۶۱	۰/۰۰۰	-۱۰/۲۳	-۲/۶۶
	جنگل	نشتیفان	۲/۲۵	۱/۵۶	۰/۳۲۳	-۱/۴۳	۵/۹۲
		سلامی	۶/۴۴	۱/۶۱	۰/۰۰۰	۲/۶۶	۱۰/۲۳

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-04-23]

همان‌گونه که در جدول شماره‌ی ده پس‌آزمون مشاهده می‌شود، بر اساس آزمون توکی، تفاوت معناداری بین میانگین عوامل اقتصادی در شهرهای نشتیفان و سلامی و نیز سلامی و جنگل وجود دارد، امّا بین میانگین این عوامل در شهرهای نشتیفان و جنگل تفاوت معناداری دیده نمی‌شود.

جدول شماره‌ی یازده- میانگین متغیّر عوامل اقتصادی در شهرهای مورد مطالعه

	شهر محلّ سکونت	تعداد	تعداد گروه‌های همگن	
			۱	۲
آزمون توکی (Tukey)	سلامی	۱۰۸	۵۰/۱۳	
	جنگل	۱۰۷		۵۴/۳۳
	نشتیفان	۱۲۲		۵۶/۵۸
	سطح معناداری		۱	۰/۳۲۹

با توجّه به جدول شماره‌ی یازده، می‌توان گفت میانگین عوامل اقتصادی در شهرهای جنگل و نشتیفان همگن است و در یک دسته قرار می‌گیرند. میانگین این عوامل در سلامی نیز در یک دسته‌ی دیگر جای می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، میانگین عوامل اقتصادی بین شهرهای جنگل و نشتیفان تفاوت معناداری ندارد، امّا بین شهرهای سلامی و نشتیفان-جنگل تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. در مجموع، تحلیل رگرسیون متغیّرهای مستقل اصلی و فرعی تحقیق و سنجش میزان تأثیر آن‌ها بر متغیّر وابسته نشان می‌دهد که:

الف) میان هر سه عامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل‌شده به شهر، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. با بررسی ضریب بتایِ (Beta) مربوط به این عوامل، مشخّص می‌شود که عوامل اجتماعی با بتای ۰/۲۶۶ بیش‌ترین میزان تأثیر را بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل‌شده به شهر داشته است. پس از آن، عوامل اقتصادی با ضریب ۰/۲۰۴ و عوامل فرهنگی با مقدار ۰/۱۹۳ در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند.

ب) در تحلیل رگرسیون با استفاده از روش گام به گام (Stepwise)، تنها شش متغیّر مستقل فرعی مصرف رسانه‌ای، مصرف‌گرایی، روحیّه‌ی فردگرایی، مشارکت اجتماعی، سطح رفاه اقتصادی افراد و روابط غیرمستقیم و ثانویّه که دارای بیش‌ترین تأثیر بر سبک زندگی بوده‌اند، وارد مدل شده‌اند. با بررسی ضریب بتای مربوط به این عوامل، مشخّص می‌شود که متغیّر مصرف رسانه‌ای با بتای ۰/۲۹۵ بیش‌ترین میزان تأثیر را بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل‌شده به شهر داشته است.

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-04-23]

پس از آن، متغیّرهای مصرف‌گرایی با ضریب ۰/۲۵۵، روحیّه‌ی فردگرایی با مقدار ۰/۲۱۵، سطح رفاه اقتصادی افراد با مقدار ۰/۱۲۹، مشارکت اجتماعی با مقدار ۰/۱۱۲ و روابط غیرمستقیم و ثانویّه با مقدار ۰/۰۹۷ در رتبه‌های دوم تا ششم قرار دارند.

ج) تحلیل رگرسیون ۱۶ متغیّر مستقل فرعی تحقیق با استفاده از روش هم‌زمان (Enter)، میزان تأثیر هریک از آن‌ها را بر متغیّر وابسته‌ی سبک زندگی به شرح جدول شماره‌ی دوازده نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی دوازده- آزمون معناداری ضرایب مدل رگرسیون ۱٦ متغیّر مستقل فرعی تحقیق

عوامل	مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	مقدار T	سطح معناداری
		B	خطای استاندارد	Beta		
	عدد ثابت	۵/۴۴۳	۳/۳۰۱		۱/۶۹۴	۰/۱۰۰
اجتماعی	مشارکت اجتماعی	۰/۰۷۵	۰/۰۳۳	۰/۱۱۶	۲/۲۹۱	۰/۰۲۳
	سازمان‌های سیاسی و اداری	۰/۰۰۸	۰/۰۳۰	۰/۰۱۳	۰/۲۵۶	۰/۷۹۸
	شبکه‌ی راه‌ها و وسایل ارتباطی	۰/۰۲۲	۰/۰۳۵	۰/۰۳۰	۰/۶۱۷	۰/۵۳۸
	روحیّه‌ی فردگرایی	۰/۱۷۹	۰/۰۳۸	۰/۲۱۸	۴/۷۰۸	۰/۰۰۰
	هویّت طبقاتی	-۰/۰۰۴	۰/۰۳۰	-۰/۰۰۶	-۰/۱۲۷	۰/۸۹۹
	روابط غیرمستقیم و ثانویّه	۰/۰۵۰	۰/۰۲۹	۰/۰۸۳	۰/۷۳۳	۰/۰۸۴
فرهنگی	امکانات فرهنگی و آموزشی	۰/۰۱۴	۰/۰۳۸	۰/۰۱۹	۰/۳۶۴	۰/۷۱۶
	مصرف رسانه‌ای	۰/۲۳۳	۰/۰۴۳	۰/۲۷۶	۵/۳۸۵	۰/۰۰۰
	گرایش‌های دینی	-۰/۰۲۰	۰/۰۳۱	-۰/۰۳۲	-۰/۶۶۲	۰/۵۰۸
	سرمایه‌ی فرهنگی	۰/۰۲۲	۰/۰۲۶	۰/۰۴۳	۰/۸۵۶	۰/۳۹۳
اقتصادی	تغییر شیوه‌ی معیشت	-۰/۰۲۳	۰/۰۲۷	-۰/۰۳۹	-۰/۸۲۶	۰/۴۰۹
	مصرف‌گرایی	۰/۱۶۴	۰/۰۳۶	۰/۲۲۹	۴/۵۸۳	۰/۰۰۰
	ایجاد بازار و مراکز خرید	۰/۰۰۵	۰/۰۳۷	۰/۰۰۷	۰/۱۲۴	۰/۹۰۱
	تمایل به منافع شخصی و سوداگرانه	۰/۰۲۵	۰/۰۳۳	۰/۰۳۸	۰/۷۴۲	۰/۴۵۸
	کم‌رنگ شدن حمایت‌های مشترک	۰/۰۰۱	۰/۰۳۸	۰/۰۰۱	۰/۰۱۸	۰/۹۸۶
	سطح رفاه اقتصادی افراد	۰/۰۹۳	۰/۰۳۵	۰/۱۲۸	۲/۶۳۴	۰/۰۰۹

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-04-23]

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجّه به شتاب تحوّلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و روند رو به رشد شهرنشینی در سطح جهان و اهمّیّت مسأله‌ی سبک زندگی در نظام سکونت‌گاهی شهری، این پژوهش درصدد شناسایی عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثّر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل‌شده به شهر بوده است. بر اساس نظریّه‌های موجود در ادبیّات جامعه‌شناسی شهری و روستایی، پس از تبدیل یک روستا به شهر و ورود آن منطقه به عرصه‌ی شهرنشینی پیامدها و عوارض ناشی از این تغییر و تحوّل، خود را در قالب عوامل مختلفی همچون عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نشان می‌دهند. بر همین مبنا، مجموع این عوامل بر سبک زندگی ساکنان این نواحی اثرگذار است و میان آن‌ها رابطه‌ی معناداری وجود دارد. همان‌گونه که از نتایج تحقیق برمی‌آید، عوامل و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی سیاست تبدیل شتابان روستاهای بزرگ و اثرگذار به شهرهای کوچک و کم‌تأثیر نه تنها در جهت رشد و توسعه‌ی منطقه‌ای پیش نرفته، موجب بروز مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مختلفی در این نواحی نیز شده است. نتایج به‌دست آمده در زمینه‌ی عوامل مؤثّر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل‌شده به شهر، به‌طور کلّی با نتایج تحقیقات پیشین از جمله تحقیقات طاهرخانی (۱۳۸۷)، پورافکاری، کلانتری و نقدی (۱۳۸۱)، نوریان شادباد (۱۳۸۳)، جمشیدی (۱۳۸۴)، سرایی و همکاران (۱۳۸۶)، رحمانی فضلی و همکاران (۱۳۸۷)، پورهمرنگ (۱۳۸۷)، نوابخش و فتحی (۱۳۸۹)، نظام‌زاده اژیه (۱۳۹۰)، فیروزنیا و همکاران (۱۳۹۰)، حقیقتیان (۱۳۹۱)، شایان، مردی و طاهرخانی (۱۳۸۳)، رستگار (۱۳۸۴)، فاضلی (۱۳۸۷)، محمّدپور و رضایی (۱۳۸۸)، چولی محمودآبادی (۱۳۹۰)، قاسمی پاکرو (۱۳۹۱) و ویلسون (۱۹۹۳) هم‌خوانی دارد.

در متغیّر وابسته‌ی سبک زندگی، تفاوت میانگین چندانی بین شهرهای مورد مطالعه مشاهده نشده است. میانگین سبک زندگی در نشتیفان (۴۵/۶) به نسبت میانگین کل (۴۴/۴) مقدار بالاتری را نشان می‌دهد، امّا در شهرهای سلامی (۴۴/۳) و جنگل (۴۳/۲) میزان پایین‌تری نسبت به میانگین کل دیده می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که سبک زندگی در نشتیفان در مقایسه با سلامی و جنگل به سمت مدرن‌تر طیف تمایل بیش‌تری نشان می‌دهد. در متغیّر عوامل اجتماعی تفاوت میانگین چندانی بین شهرهای مورد مطالعه دیده نشده است. میانگین عوامل اجتماعی در نشتیفان (۵۱/۱) و جنگل (۵۱/۱) به نسبت میانگین کل (۵۰/۱) مقدار بالاتری را نشان می‌دهد، امّا در شهر سلامی (۴۸/۲) میزان پایین‌تری نسبت به میانگین کل دیده می‌شود. بنابراین می‌توان گفت عوامل

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-04-23]

اجتماعی مورد بررسی در شهرهای نشتیفان و جنگل در مقایسه با سلامی، تأثیر بیش‌تری بر سبک زندگی افراد داشته‌اند. در متغیّر عوامل فرهنگی، تفاوت میانگین قابل ملاحظه‌ای بین شهرهای مورد مطالعه مشهود است. میانگین عوامل فرهنگی در نشتیفان (۵۸/۸) به نسبت میانگین کل (۵۶) مقدار بالاتر و در جنگل (۵۶) مقدار مساوی را نشان می‌دهد، امّا در شهر سلامی (۵۲/۸) میزان پایین‌تری نسبت به میانگین کل دیده می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عوامل فرهنگی مورد بررسی در شهرهای نشتیفان و جنگل در مقایسه با سلامی، تأثیر بیش‌تری بر سبک زندگی افراد داشته‌اند. در متغیّر عوامل اقتصادی نیز تفاوت میانگین چشم‌گیری بین شهرهای مورد مطالعه مشهود است. میانگین عوامل اقتصادی در نشتیفان (۵۴/۳) و جنگل (۵۶/۶) به نسبت میانگین کل (۵۳/۷) مقدار بالاتری را نشان می‌دهد، امّا در شهر سلامی (۵۰/۱) میزان پایین‌تری نسبت به میانگین کل دیده می‌شود. بنابراین می‌توان گفت عوامل اقتصادی مورد بررسی در شهرهای جنگل و نشتیفان در مقایسه با سلامی، تأثیر بیش‌تری بر سبک زندگی افراد داشته‌اند. میان هر سه عامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل‌شده به شهر رابطه‌ی معناداری وجود دارد. با بررسی ضریب بتای مربوط به این عوامل، مشخّص می‌شود که عوامل اجتماعی با بتای ۰/۲۶۶ بیش‌ترین میزان تأثیر را بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل‌شده به شهر داشته است. پس از آن، عوامل اقتصادی با ضریب ۰/۲۰۴ و عوامل فرهنگی با مقدار ۰/۱۹۳ در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. در مجموع، بیش‌تر تغییرات سبک زندگی در شهرهای نشتیفان و سلامی متأثّر از عوامل فرهنگی و در شهر جنگل ناشی از عوامل اقتصادی بوده است.

با ورود تکنولوژی، تغییرات بنیادینی در زندگی، احساس، تفکّر، شیوه‌ی زیست و فرهنگ انسان امروزی پدید آمده است. افزایش مصرف رسانه‌ای در قالب مطبوعات، تلویزیون، اینترنت، ماهواره، کتاب، ویدئو و ... امروزه بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی روزمرّه را دربرمی‌گیرد. فعّالیّت رسانه و رادیو و گسترش جادّه‌ها را که منجر به توسعه‌ی ارتباط با شهرها و نواحی اطراف شده‌اند، می‌توان از نخستین تغییرات در الگو یا کسب ارتباطی روستاهای تبدیل‌شده به شهر دانست. رادیو و تلویزیون با تولید و پخش پیام‌های متناسب با فرهنگ شهری، به اطّلاع‌رسانی درباره‌ی سبک زندگی شهری برای روستاهای شهر شده می‌پردازند و جادّه‌های آسفالت‌شده همراه با گسترش کاربرد اتومبیل‌های شخصی و عمومی در سطح این نواحی، فرصت مراجعه و ارتباطات چهره به چهره‌ی بیش‌تری را برای ساکنان این مناطق با شهرهای اطراف فراهم می‌کنند. روستاهای تبدیل‌شده به شهر در ایران به دلیل بهره‌مندی از بخشی از دستاوردهای فناوری دنیای مدرن و

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-04-23]

برخورداری از تسهیلات ارتباطی نسبتاً مناسب، در دوره‌ای از تاریخ تحوّل فرهنگی- اجتماعی خود قرار گرفته‌اند که حرکتی نسبتاً گسترده را از سبک زندگی سنّتی به سمت سبک زندگی نوین تجربه می‌کنند. این حرکت و تغییر را می‌توان حاصل عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دانست که مهم‌ترین آن‌ها ورود امکانات مدرن و در رأس آن‌ها برخورداری از زیرساخت‌های ارتباطی است. علاوه بر این، شهرنشینی، تشکیلات اجتماعات و گسترش سبک زندگی شهری تغییرات فراوانی در شیوه‌ی غذا خوردن افراد ایجاد کرده و تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر عادات غذایی آن‌ها گذاشته است. هم‌چنین در دوره‌ی مدرن و معاصر، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان دولت و شهرداری‌ها در زمینه‌ی فضاهای شهری، خانه‌سازی و تولید انبوه، نقش مؤثّری در چگونگی فرهنگ خانه‌ی معاصر دارد. بر اساس این وضعیّت، می‌توان قضاوت کرد که سبک زندگی شهری در برخی زمینه‌ها به این مناطق نیز رسوخ کرده و موجد تغییراتی شده است؛ تغییراتی که علاوه بر الگوی مصرف، در ساختارهایی همچون هم‌بستگی، نوآوری، فردگرایی، روحیّه‌ی تعاون و به‌طور کلّی در سبک زندگی روستاهای تبدیل‌شده به شهر به‌وجود آمده است. این تغییرات در روستاهای شهر شده نسبت به مناطق دیگر، از شتاب بیش‌تری برخوردار بوده است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان از آن به‌عنوان پدیده‌ی «شهری شدن سبک زندگی در روستاها» نام برد.

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-04-23]

منابع

۱. ابراهیم‌زاده، عیسی و نصیری، یوسف (۱۳۸۶) «شهرنشینی شتابان؛ روندها و پیامدها»، **مجلّه‌ی اطّلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره‌ی ۲۳۷ و ۲۳۸، صص ۲۳۲-۲۴۱.

۲. ایزدی خرامه، حسن (۱۳۸۰) «**تبدیل روستا به شهر و نقش آن در توسعه‌ی روستایی، مورد مطالعه: استان فارس**»، رساله‌ی دکتری، دانشگاه تربیت مدرّس.

۳. پورافکاری، نصرالله؛ کلانتری، صمد و نقدی، اسدالله (۱۳۸۰) «توسعه‌ی شهرنشینی و پیامدهای آن (با تکیه بر مورد ایران)»، **فصلنامه‌ی جمعیّت**، سال دهم، شماره‌ی ۳۹ و ۴۰، صص ۱-۳۴.

۴. پورهمرنگ، نسرین (۱۳۸۷) «**بررسی رفتارهای اجتماعی افراد در محیط شهری مدرن، مطالعه‌ی موردی: بلوار گلسار رشت**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.

۵. چلبی، مسعود (۱۳۸۶) **جامعه‌شناسی نظم**، تهران: نی.

۶. چولی محمودآبادی، محمّد (۱۳۹۰) «**بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثّر بر سبک زندگی خانواده‌های ایرانی، مورد مطالعه: شهر ارومیه**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

۷. حقیقتیان، منصور (۱۳۹۱) «بررسی تأثیر شهرنشینی بر روابط اجتماعی در شهر بوشهر (آزمون نظریّه‌ی لوئیس ویرث)»، **مجلّه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری**، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ۸، صص ۳۹-۵۰.

۸. حقیقتیان، منصور؛ انصاری، ابراهیم و ولی‌پور، زهرا (۱۳۹۰) «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثّر بر سبک زندگی دانشجویان شهر اصفهان»، **فصلنامه‌ی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، سال هفتم، شماره‌ی ۲۳، صص ۱۲۵-۱۴۲.

۹. ذوالفقاری، مریم (۱۳۹۱) «**بررسی تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر سبک زندگی و الگوی مصرف افراد، مطالعه‌ی موردی: مناطق شمال، مرکز و جنوب شهر تهران**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

۱۰. سیف‌اللهی، محمود؛ شهابی، سیامک و صالحی، اصغر (۱۳۸۷) «اثرات تبدیل روستا به شهر بر بخش کشاورزی مناطق روستایی، مطالعه‌ی موردی: شهر اژیه در پایاب زاینده‌رود»، **فصلنامه‌ی روستا و توسعه**، سال یازدهم ، شماره‌ی ۳، صص۷۷-۹۶.

۱۱. شایان، سیاوش؛ مردی زرنقی، محمّد و طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۳) «مطالعه‌ی روابط متقابل شهر و روستا و نقش آن در تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نواحی روستایی، مطالعه‌ی موردی: شهرستان هریس»، **فصلنامه‌ی رشد آموزش جغرافیا**، سال نوزدهم، شماره‌ی ۶۷، صص ۳-۹.

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-04-23]

۱۲. صادقی قمشلو، فرزانه (۱۳۹۲) «**ارزیابی و تحلیل پیامدهای تبدیل روستا به شهر، مطالعه‌ی موردی: شهرستان‌های جنوبی استان اصفهان**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

۱۳. صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۶۹) «انسان و شهرنشینی»، **نامه‌ی علوم اجتماعی**، دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۱ (پیاپی ۴)، صص ۱۹۸-۲۲۶.

۱۴. ضیاءتوانا، محمّدحسن و امیرانتخابی، شهرام (۱۳۸۶) «روند تبدیل روستا به شهر و پیامدهای آن در شهرستان تالش»، **فصلنامه‌ی جغرافیا و توسعه**، سال پنجم، شماره‌ی ۱۰، صص ۱۰۷-۱۲۸.

۱۵. علیمردانی، مسعود (۱۳۸۵) «سیر تحوّل پدیده‌ی شهرنشینی و ویژگی‌های اجتماعی شهرنشینان در اندیشه‌ی ابن خلدون»، **فصلنامه‌ی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)**، سال شانزدهم، شماره‌ی ۵۹، صص ۹۷-۱۲۲.

۱۶. قاسمی پاکرو، مصطفی (۱۳۹۱) «**بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثّر بر سبک زندگی، مطالعه‌ی موردی: زنان ۱۸-٦٤ سال شهر تهران**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

۱۷. نوابخش، مهرداد و فتحی، سروش (۱۳۸۹) «رشد و توسعه‌ی شهرنشینی در ایران با تأکید بر فعّالیّت‌های اجتماعی- اقتصادی»، **مجموعه مقالات اوّلین همایش مدیریّت و برنامه‌ریزی شهری**، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.

۱۸. وبر، ماکس (۱۳۷۴) **اقتصاد و جامعه**، ترجمه‌ی منوچهر ترابی‌نژاد و عمادزاده، تهران: مولی.

19. Dempsey, k. (1990) **Small town: Astady of social inequality, Cohestion and Belonging**. Melbourn: oxford university press.

20. Omoja L Onwura, (1987) **the Role of Small Towns in Rural Development in BornoSatte, Nigeria**, UK, London University (Ph.D.).

21. Rondinelli, D A. (1983) “Towns and small cities in developing countries”. **The Geographical Review**. Vol. 73, No. 4, pp. 379-395.

22. Wei,R.(2006) ”Lifestyle and new media: Adaption use of wireless communication technologies in china”, **New media society**, Vol. 6, P991-1008.

23. Wilson, T.(1993) “Urbanism and kinship Bonds: A test of four generalizations”. **Social force** 71(3), pp. 703-712.

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2024-04-23]